

ای بخارا شاد باش و دیرزی

مردم تاجیکستان پس از هفتادسال مقاومت سرانجام موفق شدند با تغییر خط سیریلیک به خط فارسی و به تصویب رساندن آن به تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۹ در پارلمان آن کشور به عنوان زبان رسمی تاجیکان، از سلطه نظام فرهنگی شوروی رهایی یابند.

خط «سیریلیک» تاجیکان را در انزوا قرار داد و پیوند آنها را با ادبیات ایران و افغانستان قطع کرد. از آنجا که این سرزمین همواره مهد زبان و ادب فارسی بوده است، سیاست فرهنگی استالینی توفیق نیافت. تاریخ دور و دراز زبان فارسی و قدمت آن، به ویژه از دوره سامانی به بعد، که ادبیات فارسی شکوفائی اش را آغاز کرد و رودکی پدر شاعران پارسیگوی، قافله‌سالار آن بود. همین قدمت مانند سدی سدید در مقابل آن سیاستها ایستاد.

ادبیات پرشکوه و درخشان زبان فارسی در طی چندهزاره در سرزمین پهناور ایران شکل گرفت. از بخارا و سمرقند تا آسیای صغیر و گنجه و شروان تا اصفهان و شیراز و از شمال آفریقا تا شبه قاره هندوستان (یا هند و پاکستان و بنگلادش کنونی) همه به زبان فارسی سروده و نوشته‌اند.

در طی گذار تاریخی، این سرزمینها هر کدام سرنوشت خاص خود را یافتند. اما دین، فرهنگ و زبان آنها در همه‌جا یکی ماند. در طی قرون نه تنها رودکی، دقیقی، فرخی، جامی،

ناصر خسرو، مولوی و بیدل با این زبان آثار جاویدان خود را خلق کردند بلکه مردم فرهیخته و دانشمند این سرزمینها هر گاه می‌خواستند تشخص و برتری خود را نشان دهند با این زبان می‌گفتند و می‌نوشتند.

امروزه تاجیکان، این نوادگان رود کی با شوق و شور و عشقی وصف‌نشدنی در راه بازگشت به خط نیاکان خود هستند. تاجیکان طی هفتادسال در محاصرهٔ زبان و فرهنگ روسی بوده‌اند و با چه رنج و مرارتی در طی این مدت فرهنگ و زبان خود را حفظ کرده‌اند و اکنون از این آزمایش تاریخی سربلند بیرون آمده‌اند.

زبان فارسی و زبان تاجیکی و زبان دری افغانستان یک ریشهٔ مشترک دارند. زبان فارسی دری از قدیم‌الایام مادر هر سه زبان مورد بحث بوده است. در حقیقت هر سه یک زبان هستند و به عبارت دیگر همان زبان فارسی است که از دیرباز بوده و در طی دو بیست سال اخیر تغییراتی در این سه زبان به وجود آمده است. علت این تغییرات هم دوری ملتها از هم، نداشتن رابطهٔ فرهنگی مستمر و مرزهای عاریتی سیاسی بوده است که مانع و رادع روابط فرهنگی و زبانی این اقوام می‌گشته است. هر زمان ارتباط زبانی و فرهنگی میان ایران، افغانستان و تاجیکستان در حد قابل توجهی گسترش یابد، تفاوت‌هایی که بین این سه کشور از جهت واژگان و دستور زبان وجود دارد به تدریج محو و ضعیف می‌گردد و این سه زبان که از یک ریشه‌اند به یکدیگر نزدیک خواهند شد.

در شرایط کنونی که نزدیک است تا جهان به شکل یک دهکدهٔ واحد درآید، و به ویژه دنیای غرب با راه انداختن ماهواره‌های تبلیغاتی، زبان و فرهنگ خود را صادر می‌کند، نقش فرهنگها بیش از پیش اهمیت یافته است. رسالت و وظیفه ما ایرانیان در مواجهه با این حرکت وسیع جهانی حائز اهمیت است. ما وارث فرهنگی هستیم که سوابق درخشان چند هزارسالهٔ آن بر همگان معلوم است و برای اثبات آن، نیازی به ذکر شواهد و مستندات نیست. در تاجیکستان بارها و بارها از همهٔ مردم، از مردم عامی تا روشنفکران می‌شنیدم که آرزویشان تشرف به آستانهای «حضرت حافظ»، «حضرت سعدی»، «حضرت فردوسی»، و زیارت تربت پاک آنان و دیگر بزرگان ادب فارسی بود.

اکنون که ما ایرانیان گامهای ارزنده‌ای در جهت برقراری روابط فرهنگی با ملت‌های مظلوم

جهان برداشته‌ایم جای آن دارد که برای ارتباط با کشورها و ملت‌های مسلمان، و هم‌زبان مجاور خود گام‌های جدی‌تری برداریم و شاید یکی از وظایف جدی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی این مهم باشد.

امروز بر هر مسلمان متعهد و مسئول ایرانی است که این عواطف پاک همکیشان و هم‌زبانان خود را پاس دارد و محترم شمارد. خاصه بر متصدیان امور فرهنگی و علمی و ادبی ایران است که به حکم وحدت کیش و زبان، از تمامی مقدمات خویش کمک بگیرند تا این عاشقان دوستی و یگانگی از مجاهدتهای آنان بهره گیرند و بیش از این چشم‌انتظار یاری و معاضدت برادران ایرانی نمانند.

امروز تاجیکان تنها امیدشان به برادران و خواهران ایرانی است. می‌باید کنگره‌ها و جلساتی از کارشناسان، نویسندگان و شاعران فارسی‌زبان کشورهای ایران، تاجیکستان و افغانستان تشکیل شود تا اهل فضل و ادب و قلم این کشورها با هم آشنا شوند و در حل معضلات فرهنگی خویش یکدیگر را یاری دهند. مبادله کتاب و مطبوعات و دانشجو یکی دیگر از راه‌هایی است که ارتباط فرهنگی را مستحکم خواهد کرد.

چنانچه در ایجاد پیوندهای فرهنگی با ملت‌های هم‌زبان خود نکوشیم، در فرداهای نه‌چندان دور با فرهنگ‌های مهاجم و بیگانه رویه‌رو خواهیم شد. فرهنگ‌های غالب جهانی از اصالت و همبستگی ما خشنود نیستند و نخواهند بود. نابودی فرهنگ ما هدف اصلی آنهاست. به این نکته توجه کنیم و بر فاجعه‌ای که به دنبال خواهد داشت بیندیشیم و دل بسوزانیم.

بوی جوی مولیان

فرستی دست داد تا به مدت بیست‌ودو روز دیداری از شوروی داشته باشیم. در این سفر از نهادهای فرهنگی، دانشگاه‌ها، مراکز ایران‌شناسی و کتابخانه‌های شهرهای دوشنبه، بخارا، سمرقند و مسکو دیدار کردم. با نویسندگان و هنرمندان این شهرها از نزدیک آشنا شدم و گفتگوهای مفصلی با آنها داشتم.

این سفر در شرایطی انجام شد که شوروی دچار بحران و آشفتگی است. ناامنی، فقر و قحطی به طور ملموسی احساس می‌شود. ابعاد تحولات سیاسی - اجتماعی چندساله اخیر در این کشور آنچنان گسترده است که تا از نزدیک مشاهده نشود قابل تصور نیست. هفتادسال اختناق

و استبداد در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شوروی را در آستانه یک فاجعه تاریخی قرار داده است. در این زمینه با استناد به آنچه دیدم و شنیدم مطالبی را تنظیم کرده‌ام که در آینده نزدیک بدان خواهم پرداخت.

دعوت کننده اصلی و بانی سفر، بنیاد زبان فارسی تاجیکستان بود. بنیاد زبان فارسی نهادهای تازه تأسیس است که لایق شیرعلی شاعر برجسته تاجیکستان ریاست آن را به عهده دارد. یادداشت سفر مفصل شده است و صفحات کلک مجال چاپ آن را در یک شماره نمی‌دهد. انتشار متن کامل یادداشتهای سفر شوروی در شماره‌ای که به فرهنگ و ادبیات تاجیکستان اختصاص خواهد یافت موکول می‌گردد. در اینجا به اختصار فقط به رئوس مطالب اکتفا می‌کنم.

در تاجیکستان بنیاد زبان فارسی برنامه فشرده‌ای برایم تدارک دیده بود. طی دوران اقامت در تاجیکستان، دو سخنرانی و گفتگو با رادیو تاجیکستان انجام شد که متن کامل آن دو گفتگو و همچنین گفتگوی رئیس بنیاد زبان فارسی در تلویزیون تاجیکستان با دکتر احمد کریمی‌حکاک، دکتر خسرو رضوی و این جانب به همان شماره که وعده کردم موکول خواهد شد. دکتر رضوی از دانشگاه اوپسالا و دکتر حکاک از دانشگاه واشینگتن نیز بدان دیار دعوت شده بودند.

سخنرانی‌ای که در محل «اتفاق نویسندگان تاجیکستان» با حضور نویسندگان و شاعران تاجیک انجام شد، بنا به پیشنهاد آقای اصغر حکیم رئیس هیئت دبیران اتفاق نویسندگان، به بیان رشد کمی و کیفی ادبیات معاصر و مطبوعات ادبی ایران اختصاص یافت و تلاش کردم تصویری از مجموعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری نویسندگان و هنرمندان ایران به دست دهم.

در پایان همین جلسه با مجله ارگان اتفاق نویسندگان که در قطع کلک و به نام «صدای شرق» منتشر می‌شود قراری گذاشتیم که یک شماره از مجله کلک به ادبیات و هنر معاصر تاجیکستان و متقابلاً یک شماره از مجله «صدای شرق» به معرفی ادبیات معاصر ایران تعلق گیرد. قرار شد که نمونه‌هایی از داستان، شعر و مقالاتی در معرفی ادب معاصر تهیه کنم و برای آنان بفرستم. همین جا از نویسندگان و شاعران ایران می‌خواهم که نمونه‌هایی از آثار خودشان را به دفتر کلک بفرستند تا برای آن شماره مجله «صدای شرق» انتخاب و آماده شود.

در باره سوابق و کارهای نهادهای فرهنگی‌ای که از آنها دیدار شد یادداشتهای مفصل فراهم آمد که اینک تنها به ذکر نام آنها اکتفا می‌شود:

بنیاد زبان فارسی تاجیکستان، بنیاد فرهنگ تاجیکستان، اتفاق نویسندگان، مجله پیوند، مجله ادبیات و صنعت، مجله صدای شرق، هفته‌نامه سامان، آکادمی علوم تاجیکستان، انستیتو

زبان و ادبیات، انستیتو خاورشناسی، موزه لاهوتی و جامعه بین‌المللی بارید.

با مسئولان تمامی این نهادها جلسات مفیدی تشکیل شد و در باره مسایل مربوط به ادبیات معاصر ایران گفت‌ووشنودهای پرحاصل صورت گرفت که تمامی آنها ثبت و ضبط و یادداشت شده است.

در تاجیکستان افتخار آشنایی با رجال فرهنگی و ادبی آن سامان نصیب شد که اینک فقط به ذکر نام عزیز آنان بسنده می‌شود تا حدیث ایشان بعد از این بیاید: دکتر کمال‌الدین عینی، دکتر پروانه جمشیدی، عبید رجب، پروفیسور آلبرت خوروموف، دکتر عسگر رجب‌زاده، عایشه حامد، عبدالواحد غفاری، بحرالدین علوی، محی‌الدین عالم‌پور، عبدالرحمان عبدالمنان، ملا احمد میرزا، پروفیسور احرار مختارف، اورون کوه‌زاد، پروفیسور شکوراف، اصغر حکیم، بهمن یار، گلرخسار، خال محمدعظیم، سلیم‌شاه حلیم‌شاه، علی‌اکبر جانفدا، محی‌الدین محموداف، کامل بیک‌زاده، اکبر تورسان‌زاد، رستم وهاب، نظام قاسم، رحمت نوری، اسکندر ختلانی، علی محمد مرادی، عبدالحمید صمد، محمدزمان صالح، ضیاء عبدالله و وحید غفاری.

در ادامه سفر چند روزی نیز به دیدن شهرهای بخارا و سمرقند گذشت که شرح و تفصیل آن به شماره مخصوص «تاجیکستان» محول می‌شود.

در مسکو از انستیتو خاورشناسی و دانشگاه مسکو دیدن کردم و از نزدیک با پروفیسور کمیسارف آشنا شدم. پروفیسور کمیسارف چندین دهه است که عمر خود را وقف معرفی ادبیات ایران و ترجمه آثار ادبی سرزمین ما کرده است. همچنین با پروفیسور محمد نوری عثمان اتفاق ملاقات دست داد. هرگاه سخن از شاهنامه حکیم طوس به میان آید، نام گرامی محمد نوری عثمان متبادر به ذهن می‌شود. زیرا که وی سالیان درازی از عمر پرثمر خود را به همکاری مؤثر در تصحیح شاهنامه صرف کرده است. اینک نیز به چاپ تازه‌ای از شاهنامه پرداخته است که نسخه فلورانس را در آن مورد توجه قرار داده است.

در مسکو علاوه بر دانشگاه و انستیتو خاورشناسی، از دیگر مؤسسات فرهنگی آنجا بازدید کردم که شرح جملگی را به بعد موکول می‌کنم.



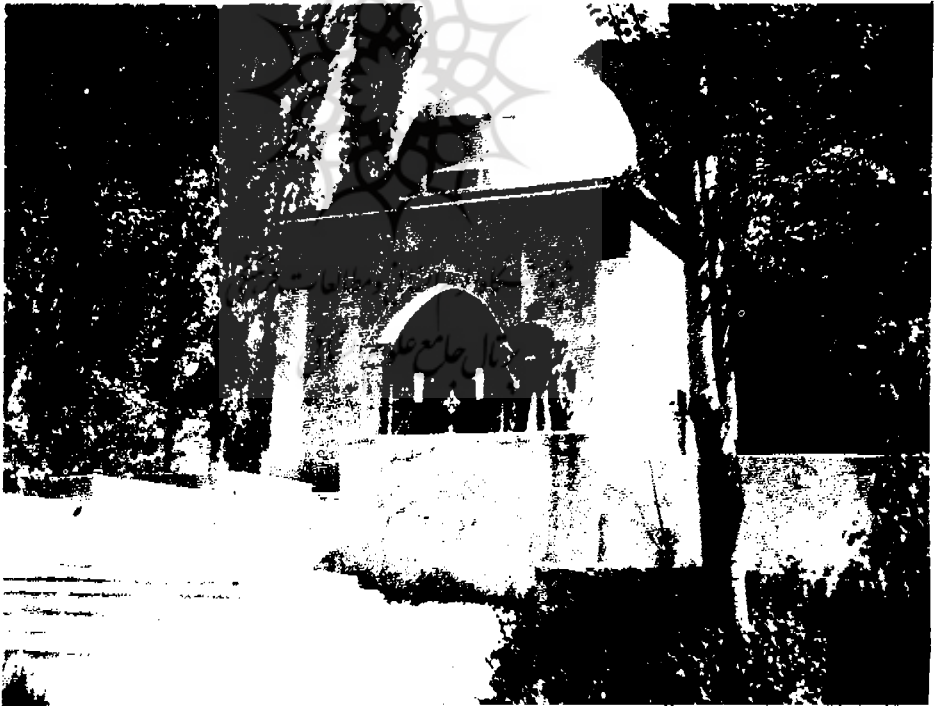


● مجسمه صدرالدین عینی و ماگسه
گورگی مقابل دفتر «اتفاق نویسنده گان
تاجیکستان»



● مجسمه ۶ متری لنین در شهر دوشنبه به
پائین کشیده شد و به جایش مجسمه
فردوسی را خواهند گذاشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی



● نماز جمعه (در مسجد دوشنبه)

● آرامگاه رودکی در تاجیکستان



● مدرسه بی بی خانم (سمرقند)

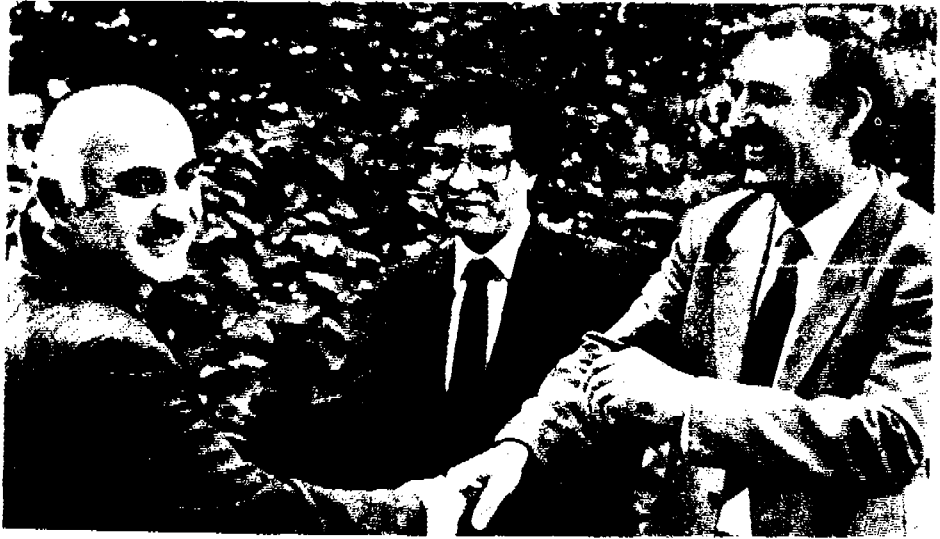


پرونده نگاه علوم انسانی و مطالعات
 ژنرال جامع علوم انسانی

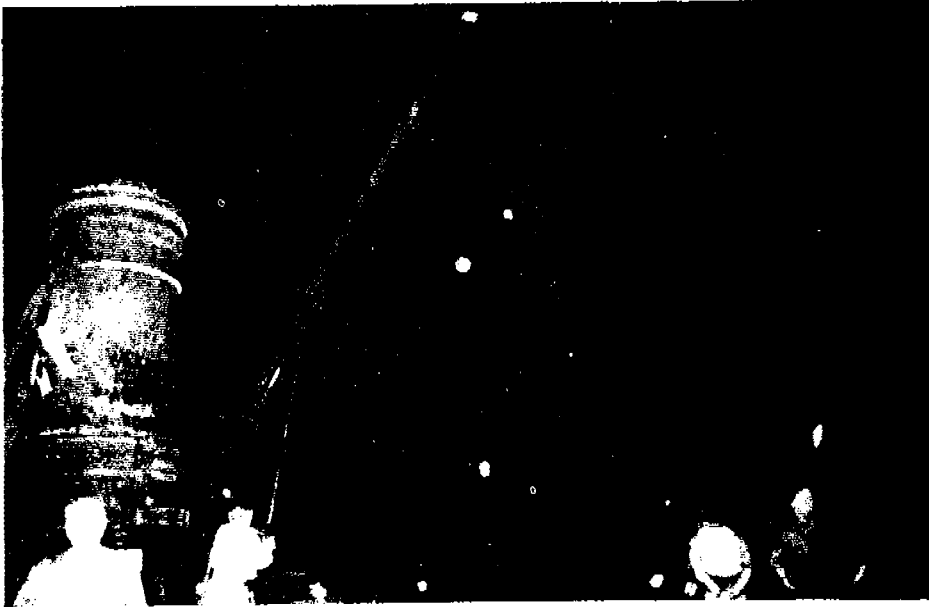
● سخنرانی در اتفاق نویسندگان



- پروفیسور کمیسارف و همسرش
- پروفیسور محمد نوری عثمان (مصحح شاہنامہ در دہ جلد (انسٹیٹو خاورشناسی مسکو)



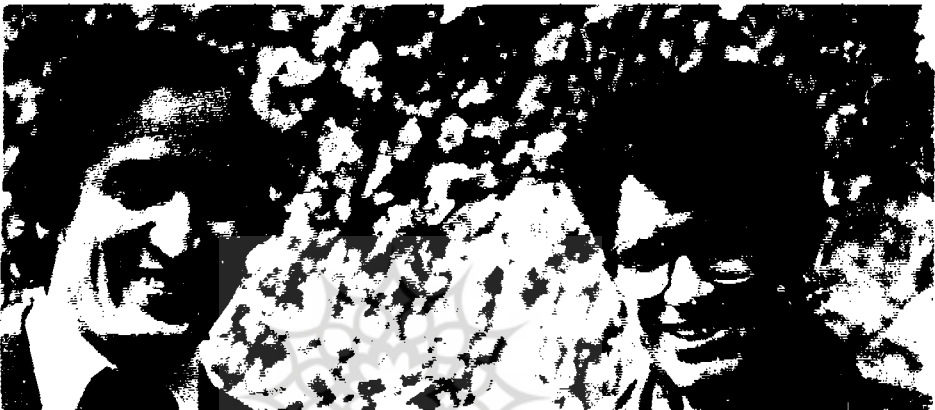
• ستم اولوغ زاده (نویسنده) • از راست به چپ: بازار صابو (شار) - دکتر کریمی حکاک (استاد دانشگاه واشنگتن) - ساربان (نویسنده) و لایق شیرعلی (شاعر و رئیس بنیاد زبان فارسی)



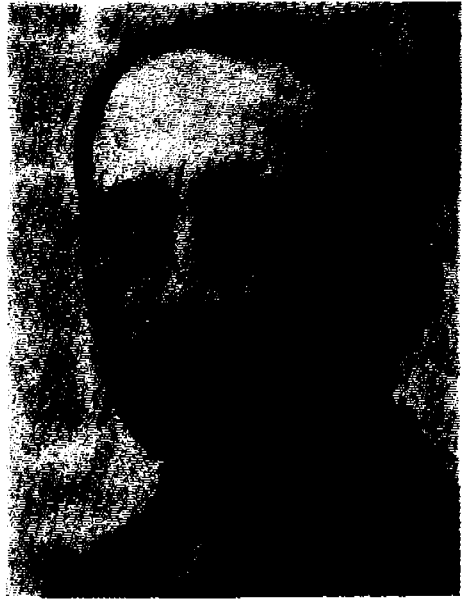
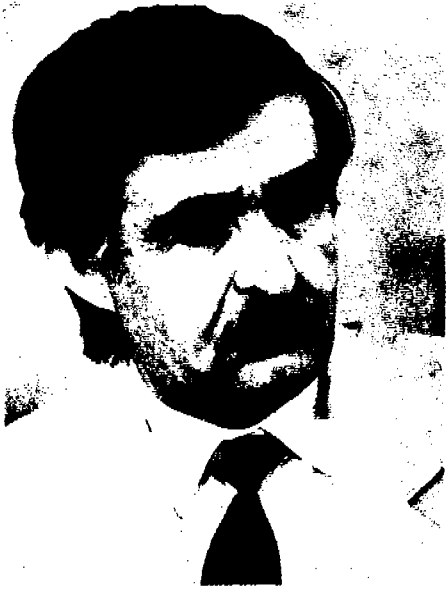
- مجسمه دزرژینسکی جلاد کا. گ. ب از میدانی به نام او برداشته می شود. ساختمان کا. گ. ب مقابل میدان دیده می شود.
- سه نسل یک خانواده بخارایی در کنار یکدیگر.



- اصفرجانفدا (بخش نسخه‌های خطی) - لایق شیرعلی - پروفسور ریچارد فرای و دهباشی
- از راست: دکتر خسرو رضوی - دهباشی - دکتر پروانه جمشید (ایستاده) - پروفسور هرتمسبرگ و لایق شیرعلی



- پروفیسور آلبرت خروموف (زبان‌شناس) - دکتر خسرو رضوی استاد دانشگاه اپسالا و دہباشی
- سیاوش شجریان با جورا بیک مراد خواننده مردمی تاجیکستان
- با ہیئت دبیران «اتفاق نویسندگان تاجیکستان»



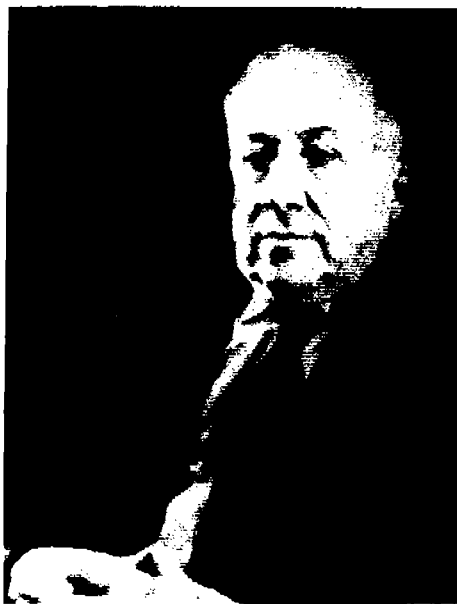
• عبدالحمید صمد (سر دبیر مجلہ صدای شرق) • اورون کوهزاد (داستان نویس)



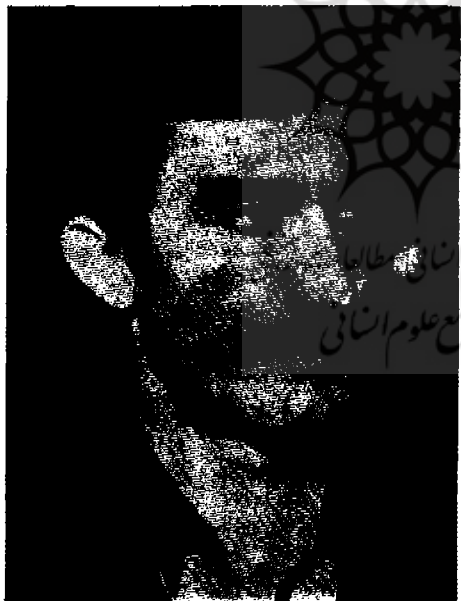
• اصغر حکیم (دبیر اول اتفاق نویسندگان) • دکتر اکبر تورسونزاد



• جانیبک اکابر (داستان نویس)



• دکتر کمال عینی (محقق)



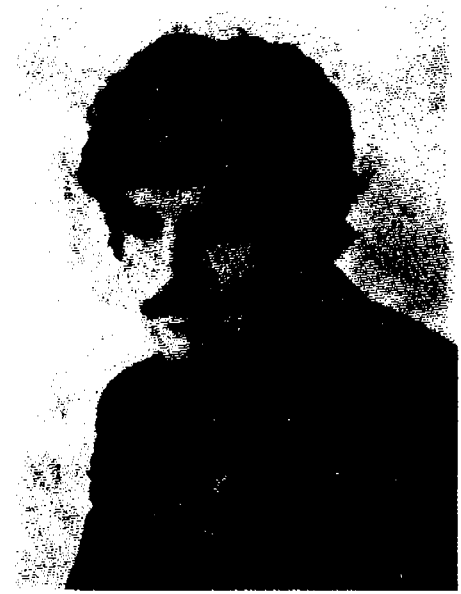
• رستم وهاب (شاعر)



• بهمن یار (داستان نویس)



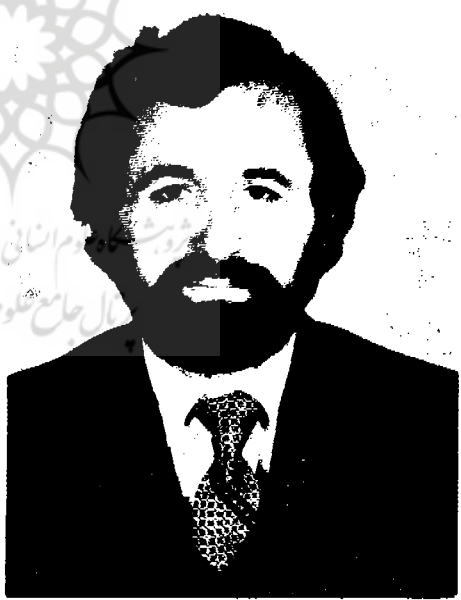
● عبد المنان عبد الرحمن (معاون اتفاق نویسندگان)



● مرادی (نویسنده داستان)



● گُل نظر (شاعر)



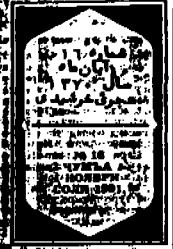
● محی الدین عالم پور (مجله پیوند)

مختصر فرهنگ ۶ ماهنامه نشریه بنیاد فرهنگ تاجیکستان سر دبیر گل رخسار

به امید آنکه «فرهنگ» سرحروف سیرلیک را
بگذارد و در قلم روگسترده زبان فارسی بل کل
لال نباشد صفحه به این نام افزوده بشد
ان شاء الله بر اثر فراهم آمدن امکانات
«فرهنگ» از قفص الفبای تجمیلی
/سیرلیک/رها خواهد شد و برای
بر فارسی گو و فارسی خوانی چهره کشاده
وزبان گویا خواهد داشت .
الآن به شرحی مختصر از محتوی این
شماره اکتفا میکنیم .



سامان



اشيريا و نهدی زاونی فورسیتو

Шахсони барҷаста, дарбори Давлати

Худое, Давлати

درفاچیکستان سووه در
دوهمسه شهره هاتارنایه
و فیهده و افیهده کتبا

تراوش رسیده

• صفحه اول مجله پیوند و مجله سامان که در تاجیکستان منتشر می شود.

پیوند

ما برای وصل کردن آیدیم

شعاره پنجم
سال اول، می ۱۹۹۱
خورشاد ۱۳۷۰

قابل توجه
تاجیکان
سراسر جهان!

با تصمص دیوان وزیران جمهوری
تاجیکستان، کمیتهی تدارکاتی
انجمن تاجیکان (فارسی زبانان جهان)
بشمار نهاده شد.

در این کمیته بشماری از
کارکنان عالی رتبهی دولتی، حزبی
و دیگر سازمانهای با نفوذ اجتماعی
و اهل تجارت و بزرگانی اشتراک
دارند.

محترم حبیبالله سینراد، معاون
صدر اعظم جمهوری تاجیکستان به
حجت رئیس کمیتهی تدارکاتی
انتخاب گردیدند.

مطابق برنامهی پیشبینی شده،
نخستین گردهمایی باشکوه انجمن
تاجیکان جهان (فارسی زبانان جهان)
در دوازدهای جشن بهاستالی نوزدهم
شهر دوشنبه برگزار خواهد شد.
هدف از اشتراک دادن هموطنان
ناجیر در این انجمن، جستجو راههای
روشد مسائل اقتصادی، علمی،
تفنیکی و فرهنگی می باشد.

ما باورمندیم که هموطنان داخل
و تاجیکان بیرون مرزی با دعوت
کمیتهی تدارکاتی انجمن تاجیکان
(فارسی زبانان جهان) هماواز گردیده
و با حضور فعال خویش، نوزدهم سال
۱۳۷۱ (۱۹۹۲) را هر چه بیشتر
شادمانتر و قشنگتر می گردانند.

کمیتهی تدارکاتی
انجمن تاجیکان جهان
(فارسی زبانان جهان)